

سال نوزدهم/ شماره ۵۲۰۵

نژایلیکانیان

نوشتن درباره علی نصیریان هم سخت است هم شیرین. مانند هم‌صحبتی با او که البته لذت‌هایش بر هر چیز دیگری می‌چربد. بازیگری با کوله‌باری از تجربه و نقش‌آفرینی ماندگار که اخلاق و منشش هم به غیر از تخصص کارهایش همیشه در میان دوستان و همکارانش زیاندر بوده است. علی نصیریان اما بعد از مدت‌ها دوری از عالم سینما، در فیلم سینمایی «مسخره‌باز» اولین ساخته همایون غنی‌زاده که پیش از این در تئاتر سابقه کارگردانی داشت، بازی کرد.

فیلمی که در بخش نگاه نو جشنواره فجر حضور داشت و جایزه ویژه سینمای هنر و تجربه را هم به خود اختصاص داد.

سال ۹۷ اما برای این مرد بزرگ سینما سال سختی بود، از دست دادن یکی از

بهترین رفقا، عزت‌الله انتظامی، و همسر و همراه زندگی‌اش داغ سنگینی بر دل او گذاشت. اما جشنواره فیلم فجر این تلخی‌ها را تا حدی از بین برد و سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل مرد کام او و طرفدارانش را شیرین کرد، گرچه این بازیگر توانا می‌گوید جایزه برایش هدف نیست.

به پنهان بازی نصیریان در فیلم «مسخره‌باز» که انصافا در آن درخشید قرار گفت:گوویی با این بازیگر با سابقه گذاشتیم تا از تجربیاتش از این فیلم، تئاتر، سینمای ایران، هنر و تجربه و خیلی چیزهای دیگر که خواندنش خالی از لطف نیست، بیشتر بشنویم.

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

من آقای غنی‌زاده را از تئاتر نمی‌شناختم و در منزل آقای فرمان‌آرا با ایشان آشنا شدم. آن‌جا برای اولین بار با هم گفت‌وگو کردیم؛ صحبت‌هایی که ارتباطی به سینما و این فیلم نداشت و بیشتر درباره تئاتر با هم صحبت کردیم، به‌خصوص درباره دورانی که ما با گروه سرکسیان کار می‌کردیم. آقای غنی‌زاده درباره این مسائل سوالات و ابهاماتی داشت که من برایش توضیح دادم. بعدها به من گفتند که ایشان کارگردان خوبی در تئاتر است، اما من تئاتری از ایشان ندیده بودم و اطلاعاتی از ایشان نداشتم.

❖ **آن دیدار چطور به همکاری‌تان در فیلم «مسخره‌باز» ختم شد؟**
بعد از آن دیدار در منزل آقای فرمان‌آرا، آقای غنی‌زاده به من تلفن کرد و سناریو را برای من فرستاد.

❖ **همان ابتدا که فیلمنامه را خواندید، خوشتان آمد، یا درباره‌اش فکر کردید و بعد پاسخ مثبت دادید؟**

از همان ابتدا خوشم آمد، سناریو برای من خیلی مهم است و به نظرم اولین برخورد با کار است که می‌تواند تو را واقع کند یا نظرت را جلب نکند. درست است که سناریو فیلم نیست، اما یک چهارچوب و گره‌تای از آن‌چه اتفاق خواهد افتاد، به تو می‌دهد. البته شخصیتی که قرار است بازی کنم هم برام خیلی مهم است، همیشه به این فکر می‌کنم آیا این شخصیت برای خودم جذابیت دارد و می‌تواند سکوی پرتابی برایم به حساب بیاید، آیا من می‌توانم برای چشم، تصویر کردن شخصیتی و بازی آن انگیزهای داشته باشم، طبیعتاً اگر پاسخ به این سوالات درونی من مثبت باشد، آن کار مورد قبول من است و بازی در آن را می‌پذیرم. اما این اولین بار نبود که همکاری من با یک کارگردان جوان اتفاق افتاد، سال‌ها پیش آقای مسعود جعفری جوزانی وقتی از آمریکا به ایران برگشت، برای اولین بار گفت که «جاده‌های سرید» نام داشت، سراغ من آمد. آن موقع ایشان به همراه نویسندهای که سناریوی کار را نوشته بود، پیش من آمدند و سناریو را به من دادند. من فیلمنامه را خواندم و خوشم آمد و کار کردم. نتیجه کار هم خیلی خوب بود. همکاری بعدی‌مان را هم در فیلم دومش «شیر سنگی» ادامه دادیم. البته با بعضی کارگردان‌ها که فیلم اولشان را ساختند هم کار کردم که گاهی نتیجه‌اش خوب نبود و مورد دلخواه من نشد.

❖ **یعنی در طول این سال‌ها کاری بوده که در آن بازی کرده باشید و بعد پشیمان شده باشید یا از نتیجه آن احساس رضایت نداشتید؟**

بله، در مورد کارهایی بودند که نتیجه آن چیزی که من می‌خواستم نشده، اما نمی‌خواهم الان درباره‌شان صحبت کنم. ولی درباره کار آقای غنی‌زاده همان ابتدا که متن را که خواندم، بسیار از آن خوشم آمد. من اساساً با تجربه‌هایی که تاژگی داشته باشم، هیچ مخالفتی ندارم و اتفاقاً از آن‌ها استقبال هم می‌کنم.

❖ **بله نوآوری و خلاقیت در کارها را دوست دارید؟**

بله کاملاً. درست است که من یک فرد قدیمی هستم، ولی هیچ‌وقت اعتقاد این‌چنینی ندارم که جوان‌ها و فکرهای نو و خلاق کار نکنند و این‌طور نیستم یا به تجربیات جدید مخالفت داشته باشم، حتی دوست دارم خودم هم وارد وادی‌های تازه شوم و نقش‌های تازه و جدید را بازی کنم.

❖ **پس به جز کلیت فیلمنامه که گفتید مورد قبولتان واقع شد، نقش کاظم خان هم جذابیت‌هایی داشت که برای حضور در فیلم ترغیبتان می‌کرد، درست است؟**

اتفاقاً جذابیت دیگری که این فیلم برای من داشت، شخصیت خود کاظم خان صاحب آرایشگاه بود که قرار بود بازی‌اش کنم. من زمان بچگی خودم از این سلمانی‌ها خیلی زیاد دیده بودم، آن موقع که ما دبستان می‌رفتم، باید سرمان را با ماشین می‌زدیم، چون نمی‌گذاشتند که سرمان مو داشته باشد، به همین خاطر سرمان را با ماشین‌های دست‌ی می‌زدند. شبیه سلمانی و مغازه‌ای را هم که در فیلم هست، زیاد دیده بودم. درنتیجه از فضای فیلم و شخصیت خیلی خوشم آمد، در واقع می‌توانم بگویم شخصیت کاظم خان به من انگیزه بازی داد. من همیشه معتقد بودم و هستم وقتی قرار است کاری را انجام دهی، باید پشت از آن انگیزه قوی وجود داشته باشی. ممکن است درصدا این انگیزه یا شور و اشتیاق در هر کاری متفاوت باشد، اما اساس آن باید در تو وجود داشته باشد. برای مثال ممکن است کاری باشد که خیلی برای آن انگیزه داری، دوستش داری، نسبت به آن عشق داری، اما در مقابل کاری هم هست که این حس کمتر درباره‌اش وجود دارد، اما تو باز هم آن را می‌پذیری و بازی می‌کنی. درباره «مسخره‌باز» اما زمانی که شروع به کار کردم، هر چه روز به روز جلو رفتم، من بیشتر به خلاقیت، هوشمندی و دانش آقای غنی‌زاده می‌بردم و به کار او اعتقاد پیدا کردم. به نظرم او جوانی است که در سرش یک پیشینه دراماتیک دارد.

❖ **وقتی فیلمنامه را خواندید و با جزئیات نقش کاظم خان آشنا شدید، چقدر احساس کردید این نقش به واسطه هیجان و اکت شما در کاره، از شما انرژی زیادی می‌گیرد؟ به‌خصوص این که قرار بود شما در کنار دو بازیگر جوان دیگری بازی کنید و شاید همین موضوع انرژی بیشتری را از شما می‌طلبید.**

این ویژگی‌ها از همان ابتدا که فیلمنامه را خواندم، برایم کاملاً ملموس بود، اما به این فکر کردم که من به عنوان بازیگر باید کار خودم را انجام دهم. به‌هرحال هر بازیگری در جمله من تا جایی که توان دارم، دوست دارم کار کنم و برای تقشم انرژی بگذارم. البته گاهی ممکن است آدم از لحاظ روحی این آمادگی را نداشته باشد، اما جسم گاهی برایش‌اش نکند، اما خدا را شکر جسم و توان من بازی کرد و این فیلم حضور داشته باشد.

❖ **توان و انرژی که سال‌ها در بازیگری گذاشتید و هنوز هم ادامه‌دار است، هم‌چنان نشأت‌گرفته از آن عشقی است که به بازیگری دارید؟**

بله، من اصلاً همیشه عاشق کارم بودم و این عشق و دل‌بسنگی مستمر بود. علاقه‌ام به بازیگری هیچ‌وقت فروغی ندهای نبود. از وقتی که خودم را شناختم، حرفه و عشق من بازیگری بود و در زندگی هم هیچ کار دیگری به غیر از آن انجام ندادم. ❖ **شما در بازیگری به مقام بالایی رسیدید، نقش‌های ماندگار زیادی بازی کردید و در ذهن‌ها خاطره خوشی از خودتان و نقش‌آفرینی‌هایتان ثبت کردید، اما هیچ‌وقت پشیمان نشده‌ید که تمام وقت و انرژی‌تان را در مسیر بازیگری گذاشتید و سراغ حرفه دیگری نرفتید؟**

هیچ‌وقت پشیمان نبودم، اما خیلی سختی کشیدیم، بالا و پایین‌های زیادی در زندگی داشتیم، در حوزه اقتصادی و معیشت هم این فراز و نشیب‌ها بود، اما هیچ‌کدام از این سختی‌ها هیچ‌وقت پشیمانم نکرد و همیشه با عشق کارم را ادامه دادم. یکی از دلایلی که من از فوت همسرم بسیار متاسف و متأثر هستم، حرفه و است که او همیشه در این راه به من کمک کرد. همسر من را دریافته، او از من شناخت پیدا کرد و متوجه شد که بازیگری عشق من است و در طول سال‌های مشترکی که با هم زندگی کردیم، نته‌تها هیچ‌گاه مانع نشد، بلکه همیشه مرا هل می‌داد و تشویق می‌کرد. او همیشه مشوق من بود و درنتیجه من هم توانستم کارم را آن‌طور که دوست دارم، دنبال کنم و فعالیتم در زمینه بازیگری استمرار کارم را داشته‌ام.

## { فرهنگ و هنر }

**گفت‌وگو با علی نصیریان، بازیگر فیلم «مسخره‌باز»:**

# بازیگری هم هنر است هم تجربه

❖ **کمی قبل‌تر در بین صحبت‌هایتان اشاره کردید با این‌که کارگردان‌ها و بازیگرهای جوان به سینما بیایند و فعالیت کنند، مخالفتی ندارید، اما در بین هم‌نسلان شما هستند دوستانی که اعتقادی به این قضیه ندارند و هم‌چنان بر این باورند که هنر والا نزد آن‌ها بوده و هست. در واقع واقع از منظر این دوستان خودشان بودند که تلاش کردند، زحمت کشیدند، سالیان سال خاک صحنه خوردند و به موفقیت و جایگاهی که الان دارند، رسیدند. از نگاه آن‌ها اما جوان‌های امروزی به‌اصطلاح یک شبه ره صد ساله را طی کردند و انرژی و وقتی را که آن‌ها برای کارشان گذاشتند،**

من آقای غنی‌زاده را از تئاتر نمی‌شناختم و در منزل آقای فرمان‌آرا با ایشان آشنا شدم. آن‌جا برای اولین بار با هم گفت‌وگو کردیم؛ صحبت‌هایی که ارتباطی به سینما و این فیلم نداشت و بیشتر درباره تئاتر با هم صحبت کردیم، به‌خصوص درباره دورانی که ما با گروه سرکسیان کار می‌کردیم. آقای غنی‌زاده درباره این مسائل سوالات و ابهاماتی داشت که من برایش توضیح دادم. بعدها به من گفتند که ایشان کارگردان خوبی در تئاتر است، اما من تئاتری از ایشان ندیده بودم و اطلاعاتی از ایشان نداشتم.

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟



من آقای غنی‌زاده را از تئاتر نمی‌شناختم و در منزل آقای فرمان‌آرا با ایشان آشنا شدم. آن‌جا برای اولین بار با هم گفت‌وگو کردیم؛ صحبت‌هایی که ارتباطی به سینما و این فیلم نداشت و بیشتر درباره تئاتر با هم صحبت کردیم، به‌خصوص درباره دورانی که ما با گروه سرکسیان کار می‌کردیم. آقای غنی‌زاده درباره این مسائل سوالات و ابهاماتی داشت که من برایش توضیح دادم. بعدها به من گفتند که ایشان کارگردان خوبی در تئاتر است، اما من تئاتری از ایشان ندیده بودم و اطلاعاتی از ایشان نداشتم.

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

❖ **اگر موافق باشید، بحث را از فیلم «مسخره‌باز» شروع کنیم؛ فیلمی که شما بعد از مدت‌ها در سینما بازی کردید و برای بازی در آن اولین جایزه سینمایی‌تان را نیز پس از سال‌ها دریافت کردید. یکی از نکات سوال‌برانگیز و مهم درباره حضور شما در این فیلم این است که چطور توانستید به یک کارگردان جوان که می‌خواهد اولین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند، اعتماد کنید؟**
به نظر می‌رسد سخت باشد که شما با کوله‌باری از دانش و تجربه در عرصه بازیگری حضور در هر کاری را بپذیرید، آن هم کار اول یک کارگردان جوان که فضایی متفاوت هم دارد. برایمان از پروسه پذیرفتن «مسخره‌باز» بگویید؛ این‌که فیلمنامه کار برایتان جذابیت داشت، یا خود همایون غنی‌زاده را از تئاتر می‌شناختید؟

یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸

علی نصیریان در جشنواره فیلم فجر

به معنای تام و تمام احساس بی‌نیازی می‌کردم. ❖ **اگر قرار بود زودتر از این‌ها جایزه‌ای می‌گرفتید، دوست داشتید برای کدام فیلم این جایزه به شما تعلق می‌گرفت؟**
«بوی پیراهن یوسف»، «کفش‌های میرزا نوروز»، «ناخدا خورشید» یا…؟

من خودم هیچ‌وقت اصلاً چنین انتظاری نداشتم، اما زمانی که «بوی پیراهن یوسف» را بازی کرده بودم، تمام دوستان و همکارانم دورم را گرفتند، آمدند، رفتند و گفتند امسال جایزه برای تو است. البته این اتفاق در دوره‌ای که «کفش‌های میرزا نوروز» را بازی کرده‌ام افتاد. در این دو مورد انتظار را دوستان و اطرافیانم در من ایجاد کرده بودند که جایزه را به تو می‌دهند. حتی سر «بوی پیراهن یوسف» همان‌طور که گفتم، جمیله گریه می‌کرد.

❖ **شما بعد از سال‌ها فعالیت درخشان در زمینه بازیگری، هم دارای هنر هستید هم تجربه. در زمینه بازیگری کدام‌یک از این دو را مهم‌تر می‌دانید؟**

شویه‌های بازیگری از متدها و روش‌های مختلف گرفته تا اصول بازیگری استانیسلاوسکی، یک‌سری قواعد کلی را توضیح می‌دهد که خیلی هم خوب هستند. آن‌ها می‌گویند جسم، بدن، نفس، بیان، حنجره، ادوات صوت و همه این‌ها چطور باید در بازیگری استفاده درست شوند. درباره تمرکز، کنترل و مدیریت همه این‌ها هم صحبت می‌شود و این‌ها نکات مهمی هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند. اما همین آقای استانیسلاوسکی می‌گوید من همه این‌ها را گفتم، اما شما به طبیعت خلاقه خودتان رجوع کنید، به آن چیزی که در خمیره وجودی‌تان هست. دانستن این‌ها و تمریشان همه به جای خود، اما خلاقیت چیزی است که باید در نهاد یک شخص وجود داشته باشد. خدا رحمت کند عزت‌الله انتظامی را، در مصاحبه‌هایی که گاهی اوقات با هم داشتیم، از او می‌پرسیدند تو چه کار می‌کنی، چطور بازی می‌کنی؟ و او می‌گفت: «منی‌دانم.» نمی‌دانم او معنی داشت، همان چیزی بود که وجودش بود.

❖ **در واقع این استعداد وجودی که شما می‌گویید، باید از درون هر کسی بیاید و تبدیل به خلاقیت شود.**

دقیقاً درست است، این چیزی نیست که من بخواهم بیایم و یاد بدهم. در واقع یک بخشی از آن ذاتی است. بخش زیادی از میحث بازیگری غریزی است، چیزی که ما نمی‌توانیم آن را منتقل کنیم، جوهره و ذات است که در وجود هر کس است و قابل انتقال نیست. من وقتی به خودم رجوع کردم که ببینم این علاقه‌ام به بازیگری از کجا شروع شد، به روزهای بچگی‌ام رسیدم. من وقتی بچه بودم، نه تلویزیون بود و نه سینما، اما دیدن نمایش‌های عامیانه مثل نقالی، معرکه‌گیری، پرده‌داری، تعزیه یا نمایش‌های روضوحی در من تاثیر زیادی داشت.

❖ **یعنی این‌ها باعث علاقه‌مند شدن شما به عرصه بازیگری شد؟**

بله، من وقتی این نمایش‌ها را می‌دیدم، ادای آن‌ها را درمی‌آوردم، می‌آدمم برای خودم جلوی آینه بازی می‌کردم.

❖ **آن زمان چند سالتان بود؟**

بچه بودم، فکر می‌کنم حدود ۱۰ یا ۱۲ سالم بود.

❖ **در بحث بازیگری، برخی از بازیگرانی که در این سال‌ها موفق بودند، مثل نوید محمدزاده یا هوتن شکیبا که امسال هم جایزه نقش اول مرد را دریافت کرد، پیش از این‌که وارد سینما شوند، تئاتر کار می‌کردند. به نظر شما تجربیات تئاتر چقدر در بازیگر در سینما یا تلویزیون کمک می‌کند؟**
خیلی زیاد، در تئاتر امکان و فرصت تجربه، آموزش، یادگیری و تمرین زیادت‌ر است. ما در سینما چنین امکانی را نداریم. مثلاً در فیلم «گاوه» این امکان وجود داشت که دورخوانی داشته باشم و آقای مهرجویی سر فیلم تمرینات ساده‌ای می‌گذاشت، اما تمرینی که در تئاتر اتفاق می‌افتاد بسیار متفاوت است. در تئاتر به لحاظ فرهنگی نیز غنی می‌شوی، باید کتاب بخوانی، آثار دراماتیک را بشناسی، رمان و شعر بخوانی. در واقع باید یک فرهنگ و اطلاعات جامع و کامل داشته باشی و این خودش یک مسئله مهم است که بازیگر را بسواد می‌کند.

تمرین‌های تئاتر بده بستان‌های فرهنگی را به وجود می‌آورد و همه می‌توانند به هم تعامل داشته باشند، همین‌ها باعث ارتقا و غنی شدن پشتوانه کاری یک بازیگر می‌شود. اما در سینما همه این ویژگی‌ها وجود ندارد و ممکن است گاهی یک بازیگر از ابتدا به ساکن به دلیل شکل و شمایل، قد و قواره یا هر دلیل دیگری وارد سینما شده باشد و طبیعی است که این ویژگی‌ها را ندارد.

آقای محمدزاده که من تعریف بازی‌اش را زیاد شنیدم، با آقای هوتن شکیبا که شما مثال زدید، از زیر بته به عمل نیامده‌اند، آن‌ها سال‌ها در تئاتر کار کردند تجربه کسب کردند، زحمت کشیدند، یاد گرفتند، شخصیت‌شناسی می‌دانند، کار را می‌شناسند و حالا به سینما آمدند و از تجربیاتشان استفاده می‌کنند.

❖ **سال ۹۷ برای شما سال پر فراز و نشیبی بود. از یک سو یک رفیق و دوست قدیمی را از دست دادید و از طرف دیگر همسرتان که همیشه همراهتان بودند هم به رحمت خدا رفتند. اما در همین سال یک جایزه مهم سینمایی را هم دریافت کردید. از این اتفاق‌ها برایمان می‌گویید؟**
ابتدای امسال خیلی برام سخت و دردناک گذشت. رفیق و دوست صمیمی‌ام که سال‌ها با هم کار کرده بودیم، از دست رفت و این خیلی برام سخت بود. ضربه‌ای که من از فوت انتظامی خوردم، برام بسیار سنگین بود. انتظامی از جمله کسانی بود که علاوه بر همکاری با هم با رقافت هم داشتم. خانه‌های ما در دزاشیب روبروی هر هم بود، همان جایی که الان موزه انتظامی شده. آن موقع خانه‌های آن‌جا ویلایی بود و الان همه به این شکل درآمدناند. حتی آن موقع ما بین خانه‌ها دیواری وجود نداشت و مثل خانه‌های آمریکایی به جای در و دیوار فンス داشتیم. آقای انتظامی آن خانه را خریده بود و بعد هم به من پیشنهاد داد که این طرف را می‌خواهند بسازند و تو هم آن را بخر. من هم آن خانه را گرفتم و ما با هم همسایه شدیم.

❖ **پس به جز عالم همکاری رافتتان هم نزدیک و عمیق بود؟**

بله قیقاً، خیلی با هم دوست و رفیق بودیم. آقای انتظامی از المان که آمد، عضو وزارت بهداشت بود. کار دولتی‌اش را از آن‌جا به هنرهای زیبا منتقل کرد. آن زمان ما اداره هنرهای زیبا داشتیم که الان مرکز هنرهای نمایشی شده است. آن موقع اسمش اداره هنرهای دراماتیک بود که بعد به هنرکده هنرهای دراماتیک تغییر کرد و آقای دکتر فروغ هم رئیس بود. ما که قسمت اجرایی اداره بودیم، جدا شدیم و آقای انتظامی بعد از این که خودش را به این‌جا منتقل کرد، مطالعه برداشته و مخطبات تئاتر را شروع کرد. آن موقع هم گروه‌های تئاتری زیادی وجود داشت؛ جوانمرد گروه داشت، آقای والی، آقای خسروی، مستدریان، من هم یک گروه داشتم، آقای انتظامی من را انتخاب کرد. بعد از این‌که مرا انتخاب کرد، با هم رفیق شدیم و فت‌وآمد خانوادگی داشتیم. همه کارهایمان را با هم انجام می‌دادیم. انتظامی ۱۰ سال از من بزرگ‌تر بود، به همین دلیل مرگ ایشان خیلی من را متأثر کرد.

چندی پیش هم رفتن همسرم که جواهر بود، داغ دیگری بر دلم گذاشت. همسر من یک خانم فوق‌العاده مهربان بود و عاشق هم بودیم. قیقاً یاد نمی‌آید، اما یا سال ۳۷ یا ۳۸ با هم ازدواج کردیم و ۶۰ سال زندگی مشترک داشتیم.

❖ **آقای نصیریان، به عنوان یکی از پیش‌گامان سینمای ایران چقدر با وجود سینمای هنر و تجربه موافق هستید؟ اساساً فکر می‌کنید وجود چنین بستری برای بروز و ظهور استعدادهای جوان، یا شاید بهتر باشد بگوییم خلاق، چقدر لازم و ضروری است؟**

واقیعت این است که من از وجود چنین حرکتی خیلی اطلاع چندانی ندارم. آن موقع هم که کار آقای غنی‌زاده را شروع کردیم، نمی‌دانستم که این فیلم مربوط به هنر و تجربه خواهد شد. دلیل این هم که می‌گویم اطلاع چندانی از سینمای هنر و تجربه ندارم، به این دلیل است که اساساً ارتباط چندانی با سینما در بخش‌های این‌چنینی‌اش ندارم. اما همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، من برخلاف بعضی، دوست دارم جوان‌ها برای نشان دادن خلاقیت و توانایی‌شان فرصت داشته باشند و سینمای هنر و تجربه باید این امکان را برای جوان‌های خلاق فراهم کند.

❖ **به نظر‌تان سینمای هنر و تجربه چقدر می‌تواند به کارگردان‌هایی که استعدادهای خلاقیت دارند و فیلم‌هایی با فضا و مضامین خاص می‌سازند تا آن‌ها شاید در اکران مخاطبان گسترده‌ای را در بر نمی‌گیرد، کمک کند تا آن‌ها نیز بتوانند آثار خودشان را برای طیف مخاطب‌های خودشان ارائه دهند؟**
به نظرم خیلی خوب است و حرکت مثبتی است که می‌تواند به سینمای ایران کمک‌کننده باشد. از میان همین کارهای تجربی است که بسیاری از استعدادها و خلاقیت‌هایی که در آینده می‌بینیم، وارد بدنه سینما می‌شوند. دیده‌هایی که در هر زمینه‌ای از جمله سینما به وجود می‌آیند، از طریق کار تجربی وارد می‌شوند. همین آثار هستند که به سینمای ایران غنا می‌بخشند و باعث غنی شدن حرکت هنری می‌شوند. بازیگری هم همین‌طور است. هم هنر هست هم تجربه البته در این میان باید این نکته را هم در نظر گرفت که به شاید بدست نداشته باشند بگویند فیلم ما مربوط به هنر و تجربه است، شاید مثلاً کارگردانی بگوید من کار خودم را می‌کنم و فیلمم را می‌سازم، اما علاقه‌ای به این‌که کارم جزو این گروه قرار بگیرد، ندارم. این بحث هم شاید فارغ از این‌که یک کارگردان کار هنری و ناآوارانه‌ای ساخته است، مطرح شود و به این ارتباط داشته باشد که اساساً یک به هنرمند یا فیلم‌ساز دوست ندارد اثرش در قالب یا چهارچوب‌های مشخص یا تعیین‌شده‌ای قرار بگیرد.